

یادداشت افتتاحیه‌ی نخستین کنگره‌ی بین‌المللی پژوهش‌های کیفی

نورمن کی. دنزین

رضا اسکندری

توضیح مترجم: متن حاضر، یادداشتی است که نورمن دنزین، یکی از شناخته‌شده‌ترین روش‌شناسان مطالعات کیفی در سال ۲۰۰۵ و در آستانه‌ی افتتاحیه‌ی نخستین کنگره‌ی بین‌المللی پژوهش‌های کیفی به رشته‌ی تحریر درآورده است. اهمیت این نوشتار کوتاه در تعیین موضع قاطع دنزین برای روش‌شناسی کیفی است. دفاع استوار او از این تبار روش‌شناختی، که گاه بیشتر خصولتی تهاجمی به خود می‌گیرد، می‌تواند گشاینده‌ی فضایی برای بحث و جدالی روشی، خصوصاً در حوزه‌ی علوم انسانی باشد. بحثی که شاید امروز، با رواج روزافزون نگره‌های پراگماتیستی و بحران برآمده از سیاست‌گذاری نولیبرال عرصه‌ی دانشگاه از یک سو و رویکرد خصمانه‌ی سرکوب و تعدیل نسبت به علوم انسانی از سوی دیگر، اهمیتی روزافزون برای پژوهشگران و دانشگاهیان این حوزه داشته باشد. خواهیم کوشید این مسیر را با ترجمه‌ها، تألیفات و نقدهای بیشتر در حلقه‌ی تجریش فعال‌تر ادامه دهیم.

نخستین کنگره‌ی بین‌المللی پژوهش‌های کیفی، در تاریخ ۵ تا ۷ ماه مه ۲۰۰۵ در پردیس دانشگاه ایلینوی در اوربانا-کمپین برگزار می‌شود. این کنفرانس سه‌روزه با کارگاه‌هایی یک‌روزه در پنجم این ماه آغاز خواهد شد. ویراستاران [مجله‌ی *Qualitative Social Work*] بزرگوارانه از من خواسته‌اند تا این کنگره و آن چه به باور من و دیگران اصلی‌ترین غایت برگزاری آن بوده است را تشریح کنم. این فرصتی است مغتنم برای بحث درباره‌ی ایده‌ها و مجادلاتی که به برگزاری این کنگره انجامید.

پیرنگ موضوعی نخستین کنگره، بر موضوع «پژوهش کیفی در زمانه‌ی عدم‌قطعیت جهانی» متمرکز شده است. ما جامعه‌ی جهانی پژوهشگران تفسیرگرا را فرامی‌خوانیم تا حول محور هدفی مشترک گرد هم آیند. ما خواهان آنیم که به دلالت‌های مستتر در تلاش‌های متأخر دولت فدرال [آمریکا] و نهادهای وابسته به آن، برای تعیین آن چه علم خوب و آن چه پژوهشگر خوب نامیده می‌شود، دقت و توجه بیشتری مبذول شود.

حکومت‌ها در سراسر جهان می‌کوشند تا پژوهش تفسیرگرا را از طریق تقویت الگوهای زیست-پزشکی و روش‌های مبتنی بر شواهد، تعدیل و تنظیم کنند. این فعالیت‌های تنظیمی، مسایل بنیادین فلسفی، معرفت‌شناختی، سیاسی و آموزشی را برای پژوهشگران و مسأله‌ی آزادی بیان را در عرصه‌ی آکادمی برانگیخته است. تأثیر این فعالیت‌ها بینارشته‌ای بوده و در سراسر عرصه‌هایی چون پژوهش در آموزش و سیاست‌گذاری، علوم انسانی، ارتباطات، سلامت جامعه، رفاه اجتماعی، کسب‌وکار و حقوق تأثیرگذار بوده است. این فعالیت‌های تقنینی و تنظیمی، مطالعات بومیان، مطالعات مربوط به مرز، پژوهش‌های فمینیستی، نژادی، دانش‌کویبر و مطالعات قومی را به حاشیه رانده است.

پژوهش کیفی به مثابه‌ی جنبشی اصلاح‌گر

پژوهش کیفی نامی است بر «جنبشی اصلاح‌گر که در سال‌های آغازین دهه‌ی ۱۹۷۰ در دانشگاه‌ها آغاز شد» (Schwandt, 2000: 189). پارادایم‌های تفسیری و انتقادی، در صورت متکثر خود، جایگاهی مرکزی در این جنبش دارند. بی‌تردید این جنبش دربرگیرنده‌ی صورت‌بندی‌های پارادایمی متعددی است. هم‌چنین این جنبش انتقادات پیچیده‌ی معرفت‌شناختی و اخلاقی‌ای را نسبت به پژوهش‌های اجتماعی سنتی وارد آورده است. این جنبش امروزه نشریات خود، نهادهای علمی، کنفرانس‌ها، کارگاه‌های سالانه و جایگاه‌های دانشگاهی مختص به خود را دارد.

تبدیل و تبدلاتی که در سال‌های آغازین دهه‌ی ۱۹۹۰ در عرصه‌ی پژوهش‌های کیفی روی داد، با آغاز دهه‌ی جدید هم‌چنان به حرکت خود ادامه داده است. روزگار پژوهش‌های تهی از ارزش‌گذاری پژوهش‌گر، مبتنی بر نگاهی خدای‌گونه به امر واقع، به زعم بسیاری به پایان رسیده است. امروز بسیاری بر این عقیده هم‌داستانند که تمامی پژوهش‌ها اموری اخلاقی و سیاسی هستند. در پایان قرن، امروز محدود کسانی هستند که گردش روایی در پژوهش اجتماعی را به دیده‌ی شکاکانه می‌نگرند. امروز ما می‌دانیم که زنان و مردان، به طرق مختلفی از فرهنگ می‌نویسند و عمل نگارش فرهنگ، به خودی خود عملی فاقد سوگیری نیست.

روش‌های تجربی-بازتابی در نگارش متون مردم‌نگارانه‌ی اول‌شخص، امروزه امری رایج در پژوهش اجتماعی است. روایت‌های انتقادی-شخصی به مولفه‌ای مرکزی در روش‌شناسی‌های پاد-هژمونیک و استعمارزدا مبدل شده است (Mutua and Swander, 2004:16). جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و آموزگاران، به کشف راه‌های جدید تصنیف مردم‌نگاری، نگارش داستان، درام، متون اجرایی و اشعار

مردم‌نگارانه ادامه می‌دهند. ژورنال‌های علوم اجتماعی امروز مسابقات داستان‌نویسی برگزار می‌کنند. ژورنالیسم مدنی خواهان شکل‌دادن به نوعی مردم‌نگاری مدنی یا عمومی است و نقد فرهنگی دیگر عملی پذیرفته شده است.

اما به هر روی، جای شگفتی نیست که این انقلاب آرام، مقاومت‌هایی را هم در برابر خود دیده است. قلمرو پژوهش کیفی پیش از هر چیز به واسطه‌ی مجموعه‌ای از تنش‌ها، تناقضات و امتناع جوهری تعریف شده است. این تنش‌ها - که بسیاری‌شان در دهه‌ی اخیر روی داده‌اند - میان تعاریف موجود در این میدان پیش و پس می‌روند و هم در درون و هم در بیرون این میدان لانه کرده‌اند.

سیاست، علم‌باوری و بنیادگرایی روش‌شناختی

در ایالات متحده، مقاومت بیرونی بیش از هر کجا در گفتمان‌ها نو-محافظه‌کار و گزارش اخیر شورای ملی پژوهش (NRC) بالیده است (ر.ک. Feuer et al. 2002)؛ گزارشی که معرفت‌شناسی‌های نو-اثباتی و شاهدمحور را برتری داده است. رهبران این جنبش تأکید می‌کنند که پژوهش کیفی غیر علمی است، نباید از منابع مالی کشور برخوردار باشد و در عرصه‌ی سیاست‌گذاری اجتماعی قدر و ارزشی ندارد (ر.ک. Canella, 2004; Lincoln and Canella, 2004a; Lincoln and Tierney, 2004).

محافظه‌کاری روش‌شناختی تجسم‌یافته در گرایش‌های آموزشی دولت بوش، متضمن نظام تنگ‌دامنه‌ای از حقیقت است. «استاندارد طلایی» جدید در تولید دانشی شایسته، بر طرح‌های کمی و آزمایشگاهی تحقیق مبتنی شده است (Lincoln and Canella, 2004a: 7). این بنیادگرایی روش‌شناختی (Lincoln and Canella, 2004a:7) به الگویی بدنام و بی‌اعتبار از پژوهش تجربی بازمی‌گردد. مدل کمی آزمایشگاهی برای این موارد کاربردی ندارد:

ارزایی بسترهای پیچیده و پویا در حوزه‌ی آموزش عمومی، در اشکال، میدان‌ها و تنوعات پر شمار خود، خصوصاً با در نظر گرفتن... تفاوت‌های اجتماعی ناشی از جنسیت، نژاد، قومیت، جایگاه زبان‌شناختی یا طبقه. مسلماً، گونه‌های مختلفی از دانش، ایجاد شده به واسطه‌ی معرفت‌شناسی‌ها و روش‌شناسی‌های مختلف، نه تنها شایسته‌اند، که اگر بخواهیم سیاست‌گذاری، تقنین و اعمال اتخاذ شده در برابر نیازهای اجتماعی حساسیت مناسبی داشته باشند، ضروری و مورد نیازند. (Lincoln and Canella, 2004a: 7).

جنبش «پژوهش علم‌محور» (SBR) که توسط NRC آغاز شده است، فضای سیاسی جدید و خصم‌آلودی برای پژوهش کیفی ایجاد کرده است. جنبش SBR، در پیوند با قانون تحصیل اجباری کودکان در سال ۲۰۰۱ (NCLB)، تجسم‌بخش شکلی نوپدید از علم‌باوری است (Maxwell, 2004)؛ یک معرفت‌شناسی اثباتی و شاهدمحور. از پژوهش‌گران خواسته می‌شود تا «روش‌شناسی‌های دقیق، نظام‌مند و عینی» را برای «به دست آوردن دانشی قابل اعتماد و معتبر» به کار گیرند (Ryan and Hood, 2004: 80). روش‌شناسی مرجح این جنبش، مدل‌های علی مبتنی بر متغیرهای مستقل و وابسته، با تعاریف روشن و دقیق است. مدل‌های علی از خلال آزمایش‌های کنترل شده‌ی تصادفی به آزمون گذاشته می‌شوند؛ آزمایش‌هایی که قابل تکرار و تعمیم‌اند (Ryan and Hood, 2004: 81). در این چارچوب، پژوهش کیفی یک مظنون همیشگی است. در این پژوهش هیچ خبری از متغیرهای تعریف‌شده یا مدل‌های علی نیست. مشاهدات و سنجش‌ها در این پژوهش‌ها بر مبنای تخصیص تصادفی گروه‌های آزمایشی نیست. شواهد صلیبی در این روش تولید نمی‌شوند. در بهترین حالت، مطالعات موردی، مصاحبه‌ها و روش‌های مردم‌نگارانه، مواد و مصالحی توصیفی به دست می‌دهند که با روش‌های تجربی، قابل آزمون هستند. معرفت‌شناسی‌های انتقادی نژادی، کویبر، پسااستعماری، فمینیستی و نظریات پسامدرن، در دیدگاه SBR، بی‌فایده نشان داده شده و در بهترین حالت، به مقوله‌ای روشنفکرانه و نه علمی تنزل داده شده‌اند (Ryan and Hood, 2004: 81; St Pierre, 2004: 132).

منتقدان جنبش شاهدمحور در نکات زیر با یکدیگر متحد شده‌اند. «علم دولتی بوش» (Lather, 2004: 19) و روش‌شناسی‌های آزمایشی و شاهدمحور آن، بازتاب‌دهنده‌ی واکنش سرکوب‌گر نژادگرایانه و مردانه‌ای به رشد روش‌های کیفی پژوهش در دو دهه‌ی اخیر است (Lather, 2004). این جنبش دیدگاه تنگ‌دامنه از علم را می‌پذیرد (Maxwell, 2004) و ظهور «آزمایش‌گرایی نو-کلاسیکی» را به جشن می‌نشیند که «به دوره‌ی کمپل-استنلی [یعنی ۱۹۶۳] و پیوند جزم‌اندیشانه‌ی آن با تکیه‌ای انحصاری به روش‌های کیفی» باز می‌گردد (Howe, 2004: 42). نوعی «حس نوستالژی برای داشتن کیهانی ساده و نظام‌مند» وجود دارد؛ جهانی «که هیچ‌گاه وجود نداشته است» (Popkewitz, 2004: 62). با تأکید انحصاری بر دقت علمی، NRC ضرورت و ارزش شاخص‌های پیچیده‌ی تاریخی، بسترمند و سیاسی را در ارزش‌گذاری یک پژوهش نادیده می‌گیرد (Bloch, 2004).

آزمایش‌گرایان نوکلاسیک، پژوهش شاهدمحور «پزشکی» و به طور اخص «آزمایش‌های بالینی» را «به مثابه‌ی الگویی برای پژوهش‌های آموزشی» تشویق می‌کنند (Howe, 2004: 48). اما آزمایش‌های بالینی تصادفی -کنار گذاشتن یک قرص- دشوار می‌تواند در «کنار گذاشتن یک برنامه‌ی آموزشی» به کار گرفته شود (Howe, 2004: 48) و «تأثیرات» یک آزمایش آموزشی را، برخلاف «تقلیل به نظام دهگانی فشار خون»، نمی‌توان به سادگی اندازه‌گیری کرد (Howe, 2004: 48).

پژوهش‌گران کیفی باید یاد بگیرند که با نقد NRC و دستورالعمل‌های روش‌شناختی‌اش، بیرون از چارچوب‌ها فکر کنند (Atkinson, 2004). ما باید تخیل انتقادی خود را بر واژه‌هایی چون طرح تصادفی، مدل علی، مطالعات سیاست‌گذاری و دانش عمومی معطوف کنیم (Weinstein, 2004). عمیق‌تر از آن، ما باید در برابر تلاش‌های محافظه‌کارانه برای از اعتبار انداختن پژوهش کیفی به واسطه‌ی بازگرداندن دوباره‌ی آن به صندوقچه‌ی اثبات‌گرایی مقاومت کنیم.

آزمایش‌گرایی روش‌های آمیخته

هاوی (۲۰۰۴) دریافت که NRC جایگاهی را برای روش‌های کیفی در نظر گرفته، اما در طرحی‌های پژوهشی آزمایش‌گرایانه‌ی مبتنی بر روش‌های آمیخته. در این طرح‌ها، روش‌های کیفی می‌توانند «یا به تنهایی یا در ترکیب با روش‌های کمی، از جمله استفاده از طرح‌های آزمایشی تصادفی» به کار گرفته شوند (Howe, 2004: 49). روش‌های آمیخته، خلف مستقیم آزمایش‌گرایی کلاسیک هستند. آن‌ها شکلی از سلسله‌مراتب روش‌شناختی را مفروض می‌دانند که روش‌های کمی در صدر آن قرار دارد و روش‌های کیفی را، «به نقشی عمدتاً کمکی در تعقیب هدف تکنوکراتیک انباشت دانش درباب «آن‌چه کارآمد است» تقلیل می‌دهند» (Howe, 2004: 53-54).

جنبش روش آمیخته، روش‌های کیفی را از خانه‌ی طبیعی خود، که در چارچوبی انتقادی و تفسیری است، بیرون می‌کشد (Howe, 2004: 54؛ هم‌چنین ر.ک. Teddlie and Tashakkori, 2003: 15). این جنبش، پژوهش را به مقولاتی دوگانه، مانند اکتشاف در برابر تصدیق، تقسیم می‌کند. کار کیفی به مقوله‌ی نخست و پژوهش کمی به مقوله‌ی دوم نسبت داده می‌شود (Teddlie and Tashakkori, 2003: 15). همانند الگوی کلاسیک آزمایشی، این جنبش هم افراد ذی‌نفع و مشارکت‌کنندگان فعال در فرآیند پژوهش را از گفتگو کنار می‌گذارد. این مسأله، ابعاد دموکراتیک و گفتگویی پژوهش را تضعیف می‌کند و احتمال شنیده شدن صداهایی را که پیش از این ناشنیده مانده‌اند، کاهش می‌دهد (Howe, 2004: 56-57). هاوی به این نکته دقت می‌کند که این تنها:

«بنیادگرایان روش‌شناختی» نیستند که به این رویکرد گراییده‌اند. تعداد قابل توجهی از ... پژوهشگران به نسبت تأثیرگذار حوزه‌ی آموزش... هم به این اردوگاه پیوسته‌اند. این گرایش می‌تواند نشانه‌ای از هم‌داستانی با فضای سیاسی موجود باشد؛ می‌تواند واکنشی باشد علیه افراط‌گری‌های پسامدرنیسم؛ حتی می‌تواند هردوی این‌ها باشد. اما به هر صورتی که توضیحش دهیم، حرکت شومی است (Howe, 2004: 57).

نقد پراگماتیستی پژوهش کیفی

سیل و همکارانش (۲۰۰۴: ۲)، که در مقام گروهی از پراگماتیست‌ها دست به قلم می‌برند، به نقد آن چیزی می‌پردازند که افراط‌گری پسامدرنیسم ضد-روش‌شناسی، «باری به هرجهت» و رومان‌تیک می‌نامند؛ شکلی از پسامدرنیسم که ملازم شاخه‌های رادیکال‌تر و پساساختارگرایی جنبش پژوهش کیفی است. آنان تصریح می‌کنند که در بیشتر اوقات، این رویکرد «پژوهش‌های کیفی بی‌کیفیت و نتایجی پژوهشی» تولید می‌کند که «عمدتاً کلیشه‌ای و نزدیک به فهم متعارف‌اند» (Seale et al. 2004: 2).

برای مقابله با چنین تأثیراتی، آنان رویکردی عمل‌محور و پراگماتیک و روش‌شناسی موقعیت‌مندی را پیشنهاد می‌کنند که داعیه‌های پاد-بنیادینی که مدعی وجود حقایق غیر کامل هستند و بر این باورند که مرز میان واقعیت و داستان در هم شکسته را نفی می‌کند (Seale et al. 2004: 3). آنان بر این باورند که این خطوط ممیز فرو نریخته‌اند و ما نباید داستان‌ها و روایت‌ها را، اگر با بهترین واقعیت‌های در دسترس همخوان نباشند، بپذیریم (Seale et al. 2004: 6).

عجیب آن که این مباحث اجرایی پراگماتیستی، تنوعی از الگوهای شاهدمحور و انتقاداتش از حساسیت‌های پسا-ساختاری و اجرایی را بازتولید می‌کنند. این مباحث توسط منتقدان به کار گرفته می‌شوند تا پشتیبانی بیشتری برای به حاشیه‌راندن این حساسیت‌ها و فعالیت‌ها به کار گرفته می‌شوند.

نتیجه‌گیری

در ایالات متحده و در سراسر جهان، جنبش علم‌آزمایشگاهی شاهدمحور، با همراهی و حمایت قوانین حکومتی و فدرال، پیشرفت پژوهش‌های کیفی انتقادی - و از جمله نقادی دقیق و پیگیر پژوهش اثباتی - را تهدید می‌کند. جامعه‌ی جهانی پژوهش‌گران کیفی، می‌باید برای بحث و جدل پیرامون دلالت‌های این تحولات جدید گرد هم آیند.

مأموریت نخستین کنگره‌ی جهانی نیز فراهم آوردن فضای گفتگویی برای این مباحث انتقادی است. ما خواهان ایجاد جدالی زنده و انتقادی، برقراری تماس‌های ثمربخش، تبادل ایده‌ها و الهام گرفتن از یکدیگر هستیم. ما مشارکت‌کنندگان بین‌المللی را، از کشورها، رشته‌ها و زمینه‌های فرهنگی مختلف، و نیز از حوزه‌های پژوهشی متنوعی از جمله علوم انسانی، علوم اجتماعی، ارتباطات، مددکاری و پژوهشگران پزشکی و بهداشت به این کارزار دعوت می‌کنیم.

منابع

- Atkinson, Elizabeth (2004) 'Thinking Outside the Box: An Exercise in Heresy', *Qualitative Inquiry* 10(1): 111-29.
- Bloch, Marianne (2004) 'A Discourse That Disciplines, Governs, and Regulates: On Scientific Research in Education', *Qualitative Inquiry* 10(1): 96-110.
- Campbell, Donald and Stanley, Julian (1963) *Experimental and Quasi-Experimental Design*. Chicago, IL: Rand McNally.
- Cannella, Gaile S. (2004) 'Regulatory Power: Can a Feminist Poststructuralist Engage in Research Oversight?', *Qualitative Inquiry* 10(2): 235-45.
- Cannella, Gaile S. and Lincoln, Yvonna S. (2004a) 'Dangerous Discourses II: Comprehending and Countering the Redeployment of Discourses (and Resources) in the Generation of Liberatory Inquiry', *Qualitative Inquiry* 10(2): 165-74.
- Cannella, Gaile S. and Lincoln, Yvonna S. (2004b) 'Epilogue: Claiming a Critical Public Social Science-Reconceptualizing and Redeploying Research', *Qualitative Inquiry* 10(2): 298-309.
- Feuer, M. J., Towne, L. and Shavelson, R. J. (2002) 'Scientific Culture and Educational Research', *Educational Researcher* 31(8): 4-14.
- Howe, Kenneth R. (2004) 'A Critique of Experimentalism', *Qualitative Inquiry* 10(1): 42-61.
- Lather, Patti (2004) 'This Is Your Father's Paradigm: Government Intrusion and the Case of Qualitative Research in Education', *Qualitative Inquiry* 10(1): 15-34.
- Lincoln, Yvonna S. and Cannella, Gaile S. (2004a) 'Dangerous Discourses Methodological Conservatism and Governmental Regimes of Truth', *Qualitative Inquiry* 10(1): 5-14.
- Lincoln, Yvonna S. and Cannella, Gaile S. (2004b) 'Qualitative Research, Power, and the Radical Right', *Qualitative Inquiry* 10(2): 175-201.
- Lincoln, Yvonna S. and Tierney, William G. (2004) 'Qualitative Research and Institutional Review Boards', *Qualitative Inquiry* 10(2): 219-34.
- Maxwell, Joseph A. (2004) 'Reemergent Scientism, Postmodernism, and Dialogue Across Differences', *Qualitative Inquiry* 10(1): 35-41.
- Mutua, Kagendo and Swadener, Beth Blue (2004) 'Introduction', in Kagendo Mutua and Beth Blue Swadener (eds) *Decolonizing Research in Cross-Cultural Contexts: Critical Personal Narratives*, pp. 1-23. Albany, NY: SUNY Press.
- Popkewitz, Thomas S. (2004) 'Is the National Research Council Committee's Report on Scientific Research in Education Scientific?: On Trusting the Manifesto', *Qualitative Inquiry* 10(1): 62-78.
- Ryan, Katherine E. and Hood, Lisa K. (2004) 'Guarding the Castle and Opening the Gates', *Qualitative Inquiry* 10(1): 79-95.
- Schwandt, Thomas (2000) 'Three Epistemological Stances for Qualitative Inquiry', in N. K. Denzin and Y. S. Lincoln (eds) *Handbook of Qualitative Research*, 2nd edn, pp. 189-213. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Seale, Clive, Gobo, Giampietro, Gubrium, Jaber F. and Silverman, David (2004) 'Introduction: Inside Qualitative Research', in Clive Seale, Giampietro Gobo, Jaber F. Gubrium and David Silverman (eds) *Qualitative Research Practice*, pp. 1-11. London: Sage.
- St Pierre, Elizabeth Adams (2004) 'Refusing Alternatives: a Science of Contestation', *Qualitative Inquiry* 10(1): 130-9.
- Teddlie, Charles and Tashakkori, Abbas (2003) 'Major Issues and Controversies in the Use of Mixed Methods in the Social and Behavioral Sciences', in Abbas Tashakkori and Charles Teddlie (eds) *Handbook of Mixed Methods in Social and Behavioral Research*, pp. 3-50. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Weinstein, Matthew (2004) 'Randomized Design and the Myth of Certain Knowledge: Guinea Pig Narratives and Cultural Critique', *Qualitative Inquiry* 10(2): 246-60.